

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال یازدهم / دوره جدید / شماره ۴۴ / تابستان ۱۳۹۵
صص ۵۵-۶۶

فضایل اخلاق و ویژه زنان

از منظر مفسران فریقین

• عباس مصلائی پور یزدی

دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)

amusallai@gmail.com

• فرشته مرزبان

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی (نویسنده مسئول)

tazkerah@chmail.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۲۹

چکیده

مفسران قرآن کریم در طول تاریخ نسبت به جایگاه زنان در تفاسیر - سنتی، توجیهی، تبیینی، نوگرایانه و جنسیتی - فهم خود را از آیات ارائه کرده‌اند که برخی از آنها منجر به برداشت اشتباه و تبعیض آمیز میان زن و مرد در خانواده و جامعه شده است، البته به تدریج دیدگاههای آنها با روی کار آمدن روشهای تفسیری دیگر اصلاح شدند، ولی با این وجود هنوز برخی زنان ارزش وجودی خود را نمی‌دانند. کتابها بیشتر به فضایل اخلاقی مشترک میان زنان و مردان و یا فقط به طرح آیات زنان بسنده کرده و از طرفی کتابهای مربوط به اخلاقیات نیز آیات فضایل اخلاقی ویژه زنان را به صورت جامع بررسی نکرده‌اند، بنابراین این تحقیق به بررسی اخلاقیات متمایز زنان با مردان در قرآن کریم می‌پردازد، تا زنان را در فهم بهتر نسبت به جایگاهشان یاری رساند. از بررسی نظرات مفسران فریقین این نتیجه حاصل می‌شود که در بُعد خانوادگی، ایجاد آرامش برای همسر از فضایل اخلاقی ویژه زنان می‌باشد که خداوند متعال برای الگو برداری به نمونه‌های فضیلت مدار آن؛ حضرت زهرا (س)، همسر فرعون و خدیجه همسر پیامبر (ص) اشاره کرده است. یکی دیگر از فضایل اخلاقی ویژه زنان در بُعد خانوادگی نقش مادری است که قرآن به اسوه‌های با فضیلت آن؛ مادر حضرت موسی (ع)، مادر حضرت عیسی (ع) و مادر حضرت مریم (س)، برای ارتقای مادرانی موفق اشاره می‌کند. قرآن در بُعد اجتماعی رعایت حجاب را از عوامل مهم برای رشد فضایل اخلاقی می‌داند و در این زمینه، دختران شعیب (ع) را معرفی می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: فضایل اخلاقی، زن، همسر، مادر، تفاسیر فریقین.





مقدمه

خداوند متعال نظام هستی را به گونه‌ای آفریده که هر موجودی دارای جایگاه «عام» و «خاص» می‌باشد. انسانها علاوه بر جایگاه عام - مانند موجودات - دارای جایگاه خاصی در نظام خلقت می‌باشند؛ از جمله زن که به مقتضای خلقتش، دارای جایگاه متمتازی می‌باشد، به گونه‌ای که مرد قابلیت جانشینی آن را ندارد. بررسی «فضایل اخلاقی ویژه زنان در قرآن کریم»، کمک فراوانی می‌کند، تا جایگاه مهم زن شناخته شود.

کتابهایی که به طور مستقل پیرامون «زن در قرآن کریم»، «اخلاق در قرآن» و «خصائص» به رشته تحریر درآمده، به «فضایل اخلاقی ویژه زنان در قرآن کریم»، به صورت تفسیری و جامع نپرداخته‌اند. محتوای مقالات نیز دربر دارنده زنان اسوه، معرفی آنها در قصص قرآنی، صفات خوب و بد و ... است و به آنچه مورد نظر این نوشتار می‌باشد، پرداخته نشده است. در واقع جنبه نوآوری این پژوهش، بررسی «فضایل اخلاقی ویژه زنان در قرآن کریم» است که ویژگیهای مشترک میان زنان و مردان در قرآن کریم را شامل نمی‌شود. روش این تحقیق، توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

حوزه معنایی نساء در قرآن کریم

برای بررسی جایگاه زنان در قرآن کریم، ابتدا به بررسی معنای لغوی و موارد استعمال واژه «نساء» در قرآن کریم پرداخته می‌شود.

۱) معنای لغوی نساء

به عقیده بسیاری از زبان شناسان، «نساء» از ریشه «نسی» به معنای فراموش کردن^۱ و ترک کردن^۲ یا از ریشه «نسیء» به معنای تأخیر انداختن استعمال می‌شود.^۳ برخی نیز آن را از ریشه «أس» یا «أسس»

۱. الطراز الاول، ج ۱، ص ۲۱۲.

۲. معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۴۲۱.

۳. معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۴۲۲؛ لسان العرب، ج ۱، ص ۱۶۶؛ التحقيق، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ «حقوق و وظائف زنان در قرآن»، ص ۷۳.

به معنای بنیان و ریشه گرفته‌اند، و برخی بر این باورند که «نساء» و «نسوه» برگرفته از عبری و سریانی و آرامی است.^۴ با توجه به کنار هم آمدن دو ریشه «أس» و «نساء» در «كتاب العين»، این احتمال وجود دارد که «نساء» و «انسان» از نگاه خلیل که مهارت ویژه‌ای در علم اصوات^۵ (phonology) دارد، از اقسام اشتقاق کبیر یا نحت باشند.^۶ در این صورت، «نساء» به معنای انسانی است که روح دیگران در کنار وی آرام می‌یابد و دچار ترس و وحشت نمی‌شود؛ از همین ریشه در قرآن واژه «نسوه» به کار رفته است.^۷ جمع «نساء»، «أنساء» و «نُسوء» می‌باشد.^۸ برخی «نساء» را اسم جمع «إمرأه» می‌دانند^۹ و برخی دیگر، اسم جنس جمعی برمی‌شمارند که مفرد ندارد، ولی دلیل محکمی برای آن نیاورده‌اند. برخی نیز آن را دال بر تعداد زنان فراوان می‌دانند.^{۱۰}

۲) ریشه شناسی مشتقات واژه «نساء»

درباره واژگان «نساء»، «أس» و «أسن» سه دیدگاه مطرح شده است: الف) این واژگان برگرفته از ریشه ثنائی و سامی أس هستند. ب) این واژگان همه الفاظ مترادف‌اند. ج) این کلمات به هیچ رو مترادف نیستند، بلکه همه آنها به یک فعل (أسس) برمی‌گردند و سایر افعال در نتیجه تطوّر برخی اصوات فعل أسس، که گاه همراه قلب مکانی است، به وجود آمده‌اند. بنابراین ریشه نساء نباید کلمه ثنائی أس باشد، بلکه شاید ریشه آن همان واژه ثلاثی أسس باشد. با بررسی واژگان براساس دانش اشتقاق می‌توان گفت: واژگان

۴. مباحثی در فقه اللغة و زبان شناسی عربی، ص ۳۴۰؛ التحقيق، ج ۱۲، ص ۱۱۳.

۵. علم اصوات یا دانش فونتیک، دانشی است که به خصوصیت‌های گویشی و لهجه‌ای یک زبان می‌پردازد (مباحثی در فقه اللغة و زبان شناسی عربی، ص ۸۳).

۶. «حوزه معنایی واژه نساء در قرآن کریم»، ص ۹. رک: کتاب العين، ج ۷، ص ۳۰۸؛ تهذیب اللغة، ج ۱۳، ص ۵۷.

۷. رک: یوسف، ص ۳۰.

۸. المحکم و المحيط الاعظم، ج ۸، ص ۵۴۹.

۹. المنجد الوسيط، ص ۱۰۱۹.

۱۰. تاج العروس، ج ۱، ص ۲۶۳.



لا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ»؛^{۱۶} «بر زنان در مورد پدران و پسران و برادران و پسران برادران و پسران خواهران و زنان [همکیش] و بردگانشان گناهی نیست». از منظر دانش اصول فقه، احکام این زنان، به زنانی که وضعیت مشابهی با ایشان دارند، تسری می‌یابد.^{۱۷} (د) اطلاق به زنان شوهردار؛ مانند: «أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ»؛^{۱۸} «در شبهای روزه، هم‌خوابگی با زنانتان بر شما حلال گردیده است. آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید».

ها) با توجه به سبب نزول، منظور زن خاص یا زنان خاصی می‌باشد؛ مانند: «وَ إِذَا طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ»؛^{۱۹} «و چون زنان را طلاق گفتید، و عده خود را به پایان رساندند، آنان را از ازدواج با همسران [سابق] خود، چنانچه به خوبی با یکدیگر تراضی نمایند، جلوگیری مکنید». ابوبکر غازی، از حسن روایت می‌کند که این آیه درباره همسر معقل بن یسار نازل شده است.^{۲۰} یا: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»؛^{۲۱} «بگو: «بیایید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فراخوانیم، سپس مباحله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم». طبق روایات شیعه و اهل سنت، منظور از زنانمان، حضرت فاطمه (س) در واقعه مباحله می‌باشد.^{۲۲} اما ابن‌عاشور معتقد است که منظور شخص معینی نیست.^{۲۳}

«نساء»، «انس» و «أسن» می‌توانند همگی از ریشه ثنائی یا ثلاثی أس یا أسس باشند که به تدریج به علت تغییرات آوایی، به صورت واژه‌های مختلف درآمده‌اند؛ تمام این واژگان ارتباط زیادی با مفهوم محوری اساس و بنیان دارند و ارتباط این مفهوم با واژه «نساء» به این دلیل است که زنان در طول تاریخ بنیان زندگی و پشتوانه‌های حیات بوده‌اند.^{۱۱}

۳) موارد استعمال واژه نساء در قرآن کریم

مصادیق مختلف موجود برای واژه «نساء» در قرآن کریم، به این شرح است:

(الف) خطاب عام می‌باشد و همه زنان را دربر می‌گیرد؛ مانند: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ»؛^{۱۲} «زنان شما کشتزار شما هستند. پس، از هر جا [و هر گونه] که خواهید به کشتزار خود [در] آید».

(ب) منظور زنان عصر خاصی می‌باشد که به اعتقاد برخی مفسران برای اعصار دیگر نیز قابل تسری هستند؛ مانند: «وَ إِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ ... يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ»؛^{۱۳} «و [به یاد آرید] آن‌گاه که شما را از [چنگ] فرعونیان رهانیدیم [آنان] ... زنهایتان را زنده می‌گذاشتند». می‌توان گفت: آیه به فرعون هر زمان و برداشته شدن حیا و عفاف و بیگاری کشیدن از زنان همه جوامع اشاره می‌نماید.^{۱۴}

(ج) با توجه به ترکیب اضافی یا وصفی، به گروه خاصی از زنان اطلاق می‌شود؛ یا با صراحت به آنها اشاره شده است؛ مانند: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ... فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ... وَ قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»؛^{۱۵} «ای همسران پیامبر، شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید، اگر سر پروا دارید، پس به ناز سخن مگویید ... و گفتاری شایسته گویید»، یا با توجه به سیاق آیه به آنها اشاره شده است؛ مانند: «لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي... نِسَائِهِنَّ وَ

۱۱. «حوزه معنایی واژه نساء در قرآن کریم»، ص ۱۰.

۱۲. بقره، ۲۲۳.

۱۳. بقره، ۴۹.

۱۴. التبیان، ج ۱، ص ۲۱۹.

۱۵. احزاب، ۳۲.

۱۶. احزاب، ۵۵.

۱۷. اسباب النزول، ص ۱۰۳.

۱۸. بقره، ۱۸۷.

۱۹. بقره، ۲۳۲.

۲۰. اسباب النزول، ص ۴۴.

۲۱. آل عمران، ۶۱.

۲۲. المیزان، ج ۳، ص ۲۲۳؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۳۸.

۲۳. التحرير و التنوير، ج ۳، ص ۱۱۴.



معنای فضایل و رذایل اخلاقی

«فضایل»، جمع فضیلت، و فضیلت، مصدری از ریشه فَضَّل است که هم‌معنا با آن می‌باشد، فضیلت به درجه بالایی در فضل اطلاق می‌شود و «فاضله» اسم آن است.^{۲۴} «فضایل اخلاقی یا اخلاق فاضله»، به مجموع ملکات و صفات راسخ نفسانی اطلاق می‌شود که با حصول معرفت، منشأ صدور افعال متناسب با آن می‌شود، چنانچه اگر مبدأ صدور افعالی پسندیده در حد وسط و مقبول عقل و شرع باشد، به آن «اخلاق فضیلت» گویند که نقطه مقابل آن «اخلاق وظیفه» نام دارد.^{۲۵}

«رذایل» نیز از ریشه «رذل» و جمع رذیله، ضد فضیلت و به معنای پستی و فرومایگی در هر چیزی می‌باشد. با توجه به آیات قرآن کریم،^{۲۶} به چیزی که به خاطر ناروایی و زشتی‌اش مورد رغبت نیست، گفته می‌شود.^{۲۷} اگر ملکات و صفات راسخ نفسانی انسان، باعث صدور افعال ناپسند شوند، «رذایل اخلاقی» یا «اخلاق رذیله» نامیده می‌شود.^{۲۸} منشأ همه رذایل تشریحی، شرک و کفر است^{۲۹} و در رأس همه رذایل اخلاقی، جور قرار دارد.^{۳۰} عواملی مانند دوری از خداوند، ارتکاب معاصی و ستم به نفس، از جمله رذایل اخلاقی هستند که انسان را از درون نابود می‌سازد، برای همین در قرآن کریم، تمام نکوهشها، به حاکمیت یافتن طبیعت‌گرایی در انسان برمی‌گردد.^{۳۱}

فضایل اخلاقی ناظر به نقش زن از منظر قرآن کریم

تعداد کل آیات مربوط به زنان ۳۴۹ آیه می‌باشد؛ این

۲۴. تاج العروس، ج ۸، ص ۶۱؛ لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۸۰.

۲۵. تفسیر انسان به انسان، صص ۲۱۳-۲۲۵؛ فلسفه اخلاق، صص ۱۳۹-۱۴۴؛ «تعریف فضیلت و سعادت و طبقه بندی فضائل و رذائل از دیدگاه ارسطو»، ص ۳۹۹.

۲۶. رک: نحل، ۷۰؛ هود، ۲۷.

۲۷. مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۵۱؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۸۰.

۲۸. درسهای اخلاق اسلامی، ص ۲۴.

۲۹. تفسیر انسان به انسان، ص ۲۲۳.

۳۰. شرح چهل حدیث، ص ۱۵۰.

۳۱. تفسیر انسان به انسان، صص ۲۱۳-۲۱۵.

تعداد در ۶۰ سوره از قرآن پراکنده است. بیشترین تأکید آیات قرآن کریم در این باره، بر نفی عقاید و فرهنگهای ضد زن و نشان دادن جایگاه انسانی او است. آیات مکی به طور عمده بر جنبه‌های انسانی زن و نفی برداشتها و عقاید منفی پیرامون او نظر دارد و احکام فقهی و نیز احکام ویژه پیامبر(ص) و همسرانش، در آیات مدنی منعکس شده است.^{۳۲} زن قرآنی سبب اصلی بدبختیها و بیچارگیهای بشر، اساس فتنه و شر، شیطنی زیبا و وسیله‌ای برای ارضای هوسهای سیری ناپذیر انسان نیست؛ زیرا تصویری که قرآن، از زن و شخصیت او به نمایش می‌گذارد، با دیدگاه ملل و اقوام دیگر و با اندیشه‌های غیرقرآنی قبل از قرآن کاملاً متفاوت می‌باشد، از این رو برای رسیدن به درک درستی پیرامون زن و منزلت او، باید در قرآن تأمل نمود.^{۳۳}

در کتابهای عهدین، تعبیری وجود دارد که نشان می‌دهد زن برای آسایش و آرامش مرد آفریده شده است؛ یعنی اصل را در حیات، مردان و زنان را برای مردان و طفیلی آنان می‌دانند، به طوری که زن باید آسایش مرد را فراهم سازد؛ یعنی آرامش بخشی، امری یک سویه است و در این صورت، اگر نگوئیم آرامش بخشی زن به مرد، نوعی تمجید نیست، قطعاً نشانه فروتری زن نیز نمی‌باشد؛ زیرا در پرتو آن، اضطرابها و نگرانیها از فکر و اندیشه مرد از بین می‌رود، برای همین مردان در کنار همسران می‌توانند به نحو صحیح، نقش خویش را ایفا کنند؛ زیرا آنها نیازمند آرامش‌اند و آرامش یافتن در کنار بیگانه مهیا نمی‌شود، از این رو خداوند، زن را آفرید، تا سکینه و آرامش مرد باشد.^{۳۴} در حقیقت وصف عاطفه، آرامش یافتن و مانند آن، از اوصاف مشترک زن و مرد است، ولی اصالت آن برای زن است.

قرآن کریم می‌فرماید: «فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ

۳۲. قرآن و مسأله زن، صص ۲۴۱-۲۴۵.

۳۳. «شخصیت شناسی زنان در قصه‌های قرآن»، ص ۷۲.

۳۴. «مبانی شخصیت زن از دیدگاه اسلام»، ص ۲۰۲.

لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا»؛^{۳۵} «پدیدآورنده آسمانها و زمین است. از خودتان برای شما جفتهایی قرار داد» و سپس آن را به عنوان نشانه‌ای مثال می‌زند: «وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛^{۳۶} «و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است» و در جای دیگر می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا»؛^{۳۷} «اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید، و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد».

قرآن کریم، مؤانست و ارتباط قلبی که زن در وجود همسر خود برقرار می‌کند، را قبل از میل جنسی و شهوانی معرفی می‌کند و این بیانگر نقش مهم زن می‌باشد. «سکون» به معنای استقرار و ثبات است و به چیزی که با آن اطمینان و استقرار حاصل آید، گویند.^{۳۸} آرامش در آیه، امر طرفینی می‌باشد؛ زیرا منشأ آرامش مرد در سایه انس زن، می‌باشد و این به خاطر مودت و رحمتی است که خداوند در بین آنان قرار داده است.

با توجه به دیدگاه مفسران، آرامش در زوجین که یکی از فضایل اخلاقی ویژه زنان در قرآن کریم است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. مفسران شیعه و اهل سنت، پیرامون مرجع ضمیر «إِلَيْهَا» در آیات ۲۱ سوره روم و ۱۸۹ سوره اعراف، دیدگاههایی را مطرح می‌کنند که عبارتند از:

۱. گروهی مرجع ضمیر «إِلَيْهَا» را نفس انسان می‌دانند و آرامش را امری طرفینی در ارضای جنسی یکدیگر که مکمل همدیگر هستند، برمی‌شمارند؛ از

۳۵. شوری، ۱۱.

۳۶. روم، ۲۱.

۳۷. اعراف، ۱۸۹.

۳۸. لسان العرب، ج ۲، ص ۲۹۱.

جمله قائلان به آن، علامه طباطبایی می‌باشد، گرچه علامه در آیه ۱۸۹ سوره اعراف سکون را به جنس زن اختصاص می‌دهد.^{۳۹} شیخ طوسی نیز قائل به اصالت نفس انسان در ایجاد آرامش می‌باشد.^{۴۰}

۲. بیشتر اهل سنت، قائل به خلقت حوا از ضلع آدم می‌باشند و ضمیر «إِلَيْهَا» را نفس انسان معرفی می‌کنند و الفت و انس را به هردو نسبت می‌دهند؛ از جمله قائلان به آن زمخشری می‌باشد.^{۴۱}

۳. گروهی قائل به خلقت حوا از ضلع آدم می‌باشند، ولی مرجع ضمیر «إِلَيْهَا» را به زن نسبت می‌دهند.^{۴۲}

۴. برخی مانند ابن جوزی قائل به خلقت حوا از ضلع آدم می‌باشند و آرامش را به «ازواج» نسبت می‌دهند.^{۴۳}

در مجموع می‌توان گفت: عملکرد انسانی جفت لازم و ملزوم زن و مرد در قرآن کریم در سه سطح جسمانی، اجتماعی و اخلاقی می‌باشد که میان این جفت بشری مرد و زن یک پیوند توأم با آرامش نهفته است و هردو به همدیگر آرامش می‌دهند، بنابراین قرآن آشکارا پیوندی لازم بین اعضای کارآمد هر جنس، همانند بازتاب هم‌بستگی میان جفتهای ضروری همه مخلوقات، ترسیم می‌کند.^{۴۴}

بیشتر مفسران مرجع ضمیر «إِلَيْهَا» را به جنس مؤنث اختصاص می‌دهند و به معنای کشش جنس مذکر به آن برای رسیدن به آرامش جسمی و روحی می‌دانند؛ فخررازی، طبرسی، مکارم شیرازی و قرائتی از جمله قائلان به آن می‌باشند.^{۴۵}

۳۹. المیزان، ج ۸، ص ۳۷۴.

۴۰. التبیان، ج ۸، ص ۲۴۰؛ تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۱۲۹؛ تفسیر نور

التقلین، ج ۴، ص ۱۷۴.

۴۱. الکشاف، ج ۳، ص ۴۷۲. نیز رک: الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۵۴؛

جامع البیان، ج ۲۱، ص ۲۱؛ روح المعانی، ج ۱۱، ص ۳۲.

۴۲. الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۷.

۴۳. زاد المسیر، ج ۳، ص ۴۲۰.

۴۴. قرآن و زن، ص ۶۶.

۴۵. مفاتیح الغیب، ج ۲۵، ص ۹۱؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۴۷۱؛ تفسیر

نمونه، ج ۱۶، ص ۳۹۱؛ جوامع الجامع، ج ۸، ص ۴۷۱؛ تفسیر نور، ج ۹،

ص ۱۸۹.





قابلیت‌ها و استعداد‌های زنان در قرآن کریم

خداوند متعال با توجه به ساختار وجودی زنان، قابلیت‌ها و استعداد‌هایی به نوع زن در سه نقش دختری،^{۴۶} همسری^{۴۷} و مادری^{۴۸} داده است که مردان فاقد آن می‌باشند؛ زیرا او می‌تواند برای ارائه اندیشه‌هایش ظرایف حکمت را در ظرایف هنر به نمایش گذارد. برخی مانند جوادی آملی قائل به کامل‌تر بودن مظهریت خداوند توسط زن نسبت به مردان هستند؛ زیرا مرد فقط مظهر قبول و انفعال است، ولی زن علاوه بر آن، مظهر فعل و تأثیر الهی نیز هست و در مرد تصرف می‌کند و او را مجذوب خود می‌سازد.^{۴۹}

ویژگی‌های متفاوت جسمی و روحی زن و مرد، ریشه در ضرورت زندگی اجتماعی دارد و همین ویژگی‌های نفسانی و عقلانی است که این دو جنس را در آفرینش ذاتی از هم متمایز ساخته و تفاوت‌هایی را در وظایف آنان در عرصه زندگی به وجود آورده است؛ تقسیمی عادلانه و متناسب با توانمندی‌های هریک و عدالتی فراگیر در عرصه تکلیف و اختیار که ناشی از عملکرد حکیمانه خداوند نسبت به آنان است.^{۵۰} زنان با توجه به گرایش‌های نهادینه وجودی بیشتر و مدار طبیعت هستند و با آن رابطه‌ای تنگ دارند، چنان‌که مرد هم با اقبال به زن به زندگی و طبیعت خو گرفته و با تعلقات آن دمساز شده است.^{۵۱} مواردی که در خصوص پایه اندیشه زنان و قابلیت‌های فکری و فیزیکی آنها بیان شده است، یا منهیاتی که شایستگی ایشان را زیر سؤال می‌برد، ناظر به واقعیت حیاتی و در مقام تعدیل و ترغیب به بهره‌وری واقع بینانه از آنها بوده است.^{۵۲}

۴۶. قصص، ۲۵.

۴۷. رک: اعراف، ۱۸۹؛ روم، ۲۱.

۴۸. رک: قصص، ۷؛ تحریم، ۱۲.

۴۹. زن در آیین جلال و جمال، ص ۲۴۹.

۵۰. «جایگاه ممتاز زن در قرآن و پاسخ به چند شبهه»، ص ۲۲۷؛ «شخصیت‌شناسی زنان در قصه‌های قرآن»، ص ۷۲.

۵۱. آل عمران، ۱۴؛ بقره، ۲۲۳. رک: المیزان، ج ۲، ص ۲۱۳؛ التحریر و التئویر، ج ۲، ص ۳۵۵؛ التبیان، ج ۲، ص ۲۲۲.

۵۲. الکشاف، ج ۱، ص ۳۴۲؛ المیزان، ج ۳، ص ۹۵.

قابلیت فردی زن و مرد هیچ تفاوتی باهم ندارد؛ زیرا خداوند متعال در ارتباط با هر دو واژه «نفس» را به کار می‌برد.^{۵۳} بنابراین هر توانایی که در زن و مرد وجود دارد، نمی‌تواند نشانه ارزشی ذاتی باشد، در این صورت اختیار و اراده آزاد بی‌معنا خواهد بود و مشکل آنجا پدید می‌آید که بخواهیم زمان و چگونگی بروز این تفاوت‌ها را تعیین کنیم. سید قطب قائل است که فطرت، مرد را مرد، و زن را زن می‌کند، اما در ادامه تأکید می‌کند که این تمایز هیچ ارزش ذاتی ندارد.^{۵۴} ولی زمخشری و طبرسی می‌گویند: مرد‌ها از جانب خدا بر زنها از جهت عقل، ساختار جسمی، اراده و قدرت جسمانی، برتری داده شده‌اند.^{۵۵} طوسی نیز به برتری عقلانیت و قدرت تصمیم‌گیری اشاره می‌کند.^{۵۶} گرچه مفسران به هیچ بخشی از متن قرآن استناد نمی‌کنند، چنین تأکیدی با بیان این مطلب که مرد‌ها حق ندارند به اجبار بر زنان غلبه کنند، یا با آنها رفتار متکبرانه داشته باشند، از بین نمی‌رود.^{۵۷} بنابراین می‌توان گفت: تفاوت‌های تکوینی موجود بین زن و مرد، مبتنی بر تفاوت نقش‌ها و وظایف طبیعی آنان است، به گونه‌ای که آنها را در ایفای نقش محوله یاری می‌دهد.^{۵۸} لازم به ذکر است که تفاوت‌ها تنها در امور مطلوب و اوصاف پسندیده محدود است؛ زیرا معقول نیست صفتی مذموم، انسان را در تحصیل هدف آفرینش - ایفای نقش‌های طبیعی - یاری دهد، پس هیچ صفت ناپسندی نمی‌تواند سبب امتیاز یکی بر دیگری باشد. ویژگی‌هایی که محور تفاوت هستند، چنین نیستند که در یک صنف باشند و در صنف دیگر اصلاً نباشند، بلکه تفاوت آنها در حد اشتداد و ضعف

۵۳. رک: بقره، ۲۸۶.

۵۴. فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۲۳۳۹.

۵۵. الکشاف، ج ۱، ص ۵۰۵؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۶۸؛ جوامع

الجامع، ج ۱، ص ۲۵۳.

۵۶. التبیان، ج ۳، ص ۱۸۹.

۵۷. قرآن و زن، صص ۸۴ و ۸۵.

۵۸. فی ظلال القرآن، ج ۲، ص ۶۵۰؛ المیزان، ج ۴، ص ۳۴۴؛ التحریر

و التئویر، ج ۴، ص ۱۱۳.

این ویژگیها است، مانند اینکه احساسات زن و تدبیر مرد بیشتر می‌باشد و آشکار است که مردان هم دارای احساسات و زنان نیز دارای تدبیر هستند و باید این تفاوتها در تشریح و هرگونه برنامه‌ریزی برای زنان و مردان مد نظر قرار گیرد، تا به گونه‌ای باشد که آنها را در ایفای نقشهای خویش یاری دهد که البته این نکته فقط از راه وحی امکان پذیر است.^{۵۹}

فضایل اخلاقی ناظر به نقش زن در خانواده از منظر قرآن کریم

این فضایل در دو نقش همسری و مادری تبیین می‌شود:

۱) نقش همسری

با توجه به آیات قرآن کریم: «أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكُمْ مِّنْ مَّسْلَمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا»^{۶۰} «همسرانی بهتر از شما؛ مسلمان، مؤمن، فرمان‌بر، توبه‌کار، عابد، روزه‌دار، بیوه و دوشیزه به او عوض دهد» و «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»^{۶۱} «زنان درستکار، فرمان‌بردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده، اسرار [شوهران خود] را حفظ می‌کنند»، ایجاد آرامش برای همسر از فضایل اخلاقی ویژه زنان در قرآن کریم می‌باشد که می‌تواند الگویی برای همه مسلمانان به هنگام انتخاب همسر باشد.^{۶۲}

خداوند متعال در قرآن کریم، همسران الگو و صالحی را معرفی کرده است که از این قرارداد:

الف) حضرت فاطمه(س): از خُزَّانِ عِلْمِ خَدَاوَنَدِ،

۵۹. رک: تحریم، ۵-۱۲؛ بقره، ۲۲۳. نیز رک: هنر عشق ورزیدن،

ج ۵۳؛ زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۲۳۵.

۶۰. تحریم، ۵.

۶۱. نساء، ۳۴.

۶۲. المیزان، ج ۱۹، ص ۳۳۳؛ تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۹۵؛ ارشاد الازدهان، ج ۱، ص ۵۶۶؛ مفاتیح الغیب، ج ۳۰، ص ۵۷۱؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۷۷؛ تفسیر احسن الحدیث، ج ۱۱، ص ۲۳۴؛ تفسیر کنز الدقائق، ج ۱۳، ص ۳۳۲؛ تفسیر الکاشف، ج ۷، ص ۳۶۴؛ التفسیر المبین، ج ۱، ص ۷۵۲.

معصومه و طبق تفاسیر شیعه، سرور همه زنان در همه زمانها می‌باشد.^{۶۳} تفاسیر اهل سنت معتقدند که این ویژگی به چند نفر برمی‌گردد که یکی از آنها حضرت فاطمه(س) می‌باشد،^{۶۴} البته برخی مانند سید قطب، مصداق آیه را تنها حضرت مریم(س) می‌دانند.^{۶۵} برخی مصداق «کوثر» در سوره کوثر را نیز حضرت فاطمه(س) می‌دانند.^{۶۶}

ب) همسر فرعون: با وجود ادعای ربوبیت همسرش و فشارهای حاکم بر جامعه آن روز، دعوت موسی(ع) را لبیک گفت و شجاعانه بر ایمان خود پافشاری نمود.^{۶۷} بنابراین خداوند او را الگویی برای مؤمنان مثال می‌زند: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِّنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِّنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»^{۶۸} «و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا همسر فرعون را مَثَل آورده، آن‌گاه که گفت: «پروردگارا، پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز، و مرا از فرعون و کردارش نجات ده، و مرا از دست مردم ستمگر برهان».

ج) حضرت خدیجه(س): اولین زن مسلمان، بانویی عاقل، شریف، پرهیزکار و پاک‌دامن بود که به اعتقاد مفسران فریقین، عمر و مال خود را به همدلی، همسری، همراهی و همراهی پیامبر(ص) گذراند.^{۶۹}

۲) نقش مادری

۶۳. التبیان، ج ۲، ص ۴۵۶؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۴۶؛ البرهان، ج ۱، ص ۶۱۸؛ البقیع، ص ۳۱۸.

۶۴. الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۳؛ روح المعانی، ج ۲، ص ۱۴۹؛ مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۲۱۸.

۶۵. فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۳۹۶؛ المیزان، ج ۳، ص ۱۸۹.

۶۶. تفسیر من وحی القرآن، ج ۲۴، ص ۴۴۷؛ تبیین القرآن، ج ۱، ص ۶۲۵.

۶۷. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۸۰؛ الکشاف، ج ۴، ص ۵۷۲؛ التبیان، ج ۱۰، ص ۵۴؛ التحریر و التنویر، ج ۲۸، ص ۳۳۸.

۶۸. تحریم، ۱۱.

۶۹. الکشاف، ج ۴، ص ۷۶۸؛ فی ظلال القرآن، ج ۶، ص ۳۹۲۷؛ المیزان، ج ۲، ص ۳۲۸؛ مفاتیح الغیب، ج ۳۱، ص ۱۹۹؛ فتح‌التقدیر، ج ۵، ص ۵۵۹.





مادر، قلب خانه و مظهر عشق، مهر، عاطفه، احساس، محبت و صفا است و اگر او منشأ فضایل اخلاقی در خانواده باشد، اعضای خانواده را به سوی سعادت و اگر منشأ رذیلت باشد، به سمت تباهی و بدبختی سوق می‌دهد. بنابراین خداوند متعال برای جایگاه او در قرآن کریم، ارزشی مضاعف قائل شده است.^{۷۰}

قرآن کریم زن را عامل بقای نوع بشر می‌داند و می‌فرماید: «نَسَاؤُكُمْ حَرْثُ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»؛^{۷۱} «زنان شما کشتزار شما هستید. پس، از هر جا [و هر گونه] که خواهید به کشتزار خود [در] آید، و برای شخص خودتان [در بهره‌مندی از آنها] پیش‌دستی کنید و از خدا پروا کنید و بدانید که او را دیدار خواهید کرد، و مؤمنان را [به این دیدار] مژده ده».

مادران الگو در قرآن کریم از این قرارند:

(الف) مادر حضرت عیسی (ع): خداوند در آیه «وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَاتِلِينَ»؛^{۷۲} «و مریم دخت عمران را، همان کسی که خود را پاک‌دامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم و سخنان پروردگار خود و کتابهای او را تصدیق کرد و از فرمان‌برداران بود»، او را مصداق مادری پاک‌دامن، صدیقه و فرمان‌بردار معرفی می‌نماید.

(ب) مادر حضرت مریم (س): خداوند برای نشان دادن نقش مادر در تربیت فرزندان، به مادران نمونه‌ای همچون مادر حضرت مریم (س) اشاره می‌نماید: «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»؛^{۷۳} «چون زن عمران گفت: پروردگارا، آنچه در شکم

خود دارم نذر تو کردم تا آزاد شده [از مشاغل دنیا و پرستشگر تو] باشد، پس، از من بپذیر که تو خود شنوای دانایی».

(ج) مادر حضرت موسی (ع): خداوند در آیه «وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَ لَا تَخَافِي وَ لَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ»؛^{۷۴} «و به مادر موسی وحی کردیم که او را شیر ده، و چون بر او بیمناک شدی او را در نیل بینداز، و مترس و اندوه مدار که ما او را به تو بازمی‌گردانیم و از [زمره] پیمبرانش قرار می‌دهیم»، به الهام وحی به مادر حضرت موسی (ع) اشاره می‌نماید. مفسران شیعه معتقدند: منظور از وحی همان القا و الهام قلبی می‌باشد.^{۷۵} برخی از مفسران اهل سنت مانند سیوطی نیز همین عقیده را دارند،^{۷۶} اما برخی دیگر مانند آلوسی معتقدند: مصداق وحی به مادر حضرت موسی (ع)، می‌تواند رؤیای صادقه، الهام قلبی و حتی ارسال جبرئیل باشد.^{۷۷}

فضایل اخلاقی ناظر به نقش زن در اجتماع از منظر قرآن کریم

با آمدن دین اسلام، زنان با خطاب گرفتن در قرآن کریم، دارای مسئولیتهای اجتماعی همگام با مردان، و حتی گاهی مقدم‌تر از مردان شدند؛ زیرا آنها در نه سالگی شایسته خطاب تکلیف الهی و به دوش گرفتن مسئولیتهایی شدند؛^{۷۸} یعنی خداوند متعال تواناییهای جسمی و روحی در آنها قرار داده است که می‌توانند آمادگی لازم را برای حاضر شدن مقابل باری تعالی و تکلم با او داشته باشند و این موهبت و فضیلتی است که تنها در جنس وجودی زن نهاده شده است، تا به واسطه

۷۴. قصص، ۷.

۷۵. المیزان، ج ۱۶، ص ۱۰؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۷۸؛ التبیان، ج ۸، ص ۱۳۱.

۷۶. الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۲۰.

۷۷. روح المعانی، ج ۱۰، ص ۲۵۵.

۷۸. «بلوغ دختران»، ص ۸.

۷۰. نظام حیات خانواده در اسلام، ص ۱.

۷۱. بقره، ۲۲۳. رک: الکشاف، ج ۱، ص ۲۶۷؛ التبیان، ج ۲، ص ۲۲۲.

۷۲. تحریم، ۱۲.

۷۳. آل عمران، ۳۵.

هزینه زندگی^{۸۷} و تأمین مسکن^{۸۸} می‌شود.

نتیجه‌گیری

۱. خداوند متعال در قرآن کریم با معرفی الگوهای فضیلت و نمایاندن فضایل اخلاقی ویژه آنها، قابلیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی انسانها را همراه با حقوقشان تبیین کرده، به گونه‌ای که به وسیله برخی اسباب نظیر مادری و همسری، فضایل اخلاقی ویژه‌ای را برای زنان به منظور رسیدن به تکامل معنوی قرار داده است.

۲. نقش همسری زنان در قرآن کریم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا همسر خوب و موفق که ویژگی‌هایی همچون اسلام، ایمان، اطاعت، صالح بودن، محافظت، توبه، عبادت، روزه‌داری و ایجاد آرامش برای همسر را داشته باشد، می‌تواند مقدمات پیشرفت همسرش را فراهم نماید. از نظر مفسران فریقین، ایجاد آرامش روانی از خصلتهای ویژه زنان می‌باشد که نسبت به مردان پررنگ‌تر است.

۳. خداوند متعال برای سهولت در دستیابی به فضایل اخلاقی که با نقش همسری به دست می‌آید، از یک سو اسوه‌هایی را معرفی می‌کند؛ از جمله: حضرت زهرا(س)، همسر فرعون و خدیجه همسر پیامبر(ص). از سوی دیگر برای اینکه زنان به عواقب شوم گام نهادن در مسیر انحراف آگاه شوند و از رذایل اخلاقی دوری نمایند، همسر لوط(ع) و همسر نوح(ع) را مثال می‌زند. این مطلب مورد اتفاق مفسران فریقین می‌باشد و تنها اختلاف آنها به مصادیق برخی آیات برمی‌گردد.

۴. همسر خوب و نمونه در قرآن کریم که پایبند به حفظ ارزش وجودی خود باشد، مسلماً می‌تواند مادری موفق باشد؛ مادری که پایه‌های اصلی و قوام نسل بشریت به او برمی‌گردد. این موهبت تنها فضیلت ذاتی زنان می‌باشد که با ایفای خوب آن می‌توانند بهترینها را در دنیا و آخرت برای خود رقم بزنند.

آن زن متقبل مسئولیتها و پذیرای نقشهای دیگر در خانواده و اجتماع شود و متقابلاً بتواند فضایل اخلاقی ویژه‌ای را در خود پرورش دهد؛ زیرا نور ملکوتی که در نماز و فرائض دینی است، باعث تقویت روح ملکوتی او می‌شود و این در حالی است که مردان در ۱۵ سالگی به آن نائل می‌شوند و برخی از مفسران نیز مصداق بارز برخی آیات از قبیل «وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا»؛^{۷۹} «و او را نیکو بار آورد» را آمادگی زودتر دختران در انجام عبادات و طاعات خداوند می‌دانند.^{۸۰}

اسلام با در نظر گرفتن ابعاد مادی و معنوی زن و تأثیر اعمال و رفتار وی در سعادت ابدی او و دیگران، مقرراتی را برای حضور زن در اجتماع وضع کرده است؛ این مقررات علاوه بر حمایت از زنان در بُعد مادی و بهینه سازی روابط اجتماعی آنان، حافظ منافع و کرامت انسانی آنان نیز هست. بی‌توجهی به این دسته از مقررات، پیامدهای جبران ناپذیری برای زنان و جامعه اسلامی به دنبال خواهد داشت.^{۸۱} خداوند متعال برای اهمیت دادن به حضور زنان در اجتماع و از طرفی رشد فضایل اخلاقی متناسب با آن، به حضور عقیقانه دختران شعیب(ع) به عنوان شاخصه مهم حجاب و عفاف اشاره می‌کند.^{۸۲}

خداوند متعال در قرآن کریم به فعالیت اجتماعی زنان شامل فعالیت‌های دینی، فرهنگی و تربیت فرزند اشاره می‌کند. همچنین به فعالیت اقتصادی آنان اشاره کرده است؛ مانند حق مالکیت زن - ارث زن^{۸۳} و آیات دال بر دادن اموال زنان با لفظ «معروف» که شامل عدم جواز گرفتن اموال زنان،^{۸۴} مهریه،^{۸۵} متعه طلاق،^{۸۶}

۷۹. آل عمران، ۳۷.

۸۰. تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، ص ۳۱۸؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۴۰؛ روح المعانی، ج ۲، ص ۱۳۴.

۸۱. «زن و کیفیت حضور او در اجتماع از منظر قرآن»، صص ۷۶ و ۷۷.

۸۲. رک: قصص، ۲۵.

۸۳. رک: نساء، ۱۷۶.

۸۴. رک: نساء، ۱۹.

۸۵. رک: نساء، ۱۹.

۸۶. رک: بقره، ۲۴۱.

۸۷. رک: بقره، ۲۳۳.

۸۸. رک: طلاق، ۶.





قرآن کریم، برای راهیابی زنان به این مهم، اسوه‌هایی با فضیلت نظیر مادر حضرت موسی (ع)، مادر حضرت عیسی (ع) و مادر حضرت مریم (س) را معرفی می‌کند. ۵. از منظر مفسران فریقین، قرآن کریم برای حضور زنان و فعالیت‌های اجتماعی آنها در ابعاد گوناگون فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، ضابطه رعایت حجاب

را تعریف می‌کند و برای برخورد زنان با اطرافیان در محیط خانواده و جامعه، اصولی را قرار داده است که با رعایت کردن آن، زن می‌تواند فضایل اخلاقی همچون حیا و عفاف را در خود تقویت نماید که نمونه بارز آن دختران شعیب (ع) می‌باشد.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- آلوسی، سید محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الاعظم، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، الیقین باختصاص مولانا علی (ع) بامر المؤمنین، قم، دارالکتب، ۱۴۱۳ق.
- ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد، التحریر و التنویر، بی‌جا، بی‌تا.
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
- جمشیدی، اسدالله؛ و دیگران، زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی: جستاری در هستی‌شناسی زن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵ش.
- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر انسان به انسان (نظریه جدید پیرامون معرفت‌شناسی انسان)، قم، اسراء، ۱۳۸۵ش.
- همو، زن در آئینه جلال و جمال، قم، اسراء، ۱۳۷۸ش.
- حجتی، سید محمدباقر، اسباب النزول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷ش.
- حسینی شیرازی، محمد، تبیین القرآن، بیروت، دارالعلوم، ۱۴۲۳ق.
- حقانی زنجانی، حسین، «تعریف فضیلت و سعادت و طبقه بندی فضائل و رذائل از دیدگاه ارسطو»، مجله درسهایی از مکتب اسلام، شماره ۶، ۱۳۷۷ش.
- حموی، صبحی، المنجد الوسیط فی العربیة المعاصرة، بیروت، دارالمشرق، ۲۰۰۳م.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- خمینی، سیدی روح‌الله، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۱ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دارالقلم، بیروت، الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
- رضایی، محمد مهدی، «شخصیت‌شناسی زنان در قصه‌های قرآن»، مجله بینات، شماره ۲۱، ۱۳۷۸ش.
- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق

- غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
- سبحانی، جعفر، «بلوغ دختران»، مجله فقه، شماره ۲۴، ۱۳۷۹ش.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله، ارشاد الازدهان الی تفسیر القرآن، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ق.
- سحابی، هاله، «حقوق و وظایف زنان در قرآن»، مجله بازتاب اندیشه، شماره ۷۷، ۱۳۸۵ش.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، نشر داد، ۱۳۷۳ش.
- شوکانی، محمد بن علی، فتح القدیر، بیروت، دارالکلم الطیب، ۱۴۱۴ق.
- طاهری نیا، احمد، «زن و کیفیت حضور او در اجتماع از منظر قرآن»، مجله معرفت، شماره ۱۰۷، ۱۳۸۵ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران؛ قم، مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۷۷ش.
- همو، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- عبدالتواب، رمضان، مباحثی در فقه اللغه و زبان شناسی عربی، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷ش.
- علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل؛ و بی بی زینب حسینی، «حوزه معنایی واژه نساء در قرآن کریم»، مجله فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۴۹، ۱۳۸۹ش.
- فخررازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- فرانکنا، ویلیام کی، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، قم، کتاب طه، ۱۳۸۳ش.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، ۱۴۰۹ق.
- فروم، اریک، هنر عشق ورزیدن، ترجمه پوری سلطانی، تهران، مروارید، ۱۳۷۳ش.
- فضل‌الله، محمدحسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک، ۱۴۱۹ق.
- فیض کاشانی، محمدحسین بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران، صدر، ۱۴۱۵ق.
- قائمی، علی، نظام حیات خانواده در اسلام، تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷ش.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ش.
- قرشی، سید علی‌اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
- قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت - قاهره، دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷ش.
- محمدی گیلانی، محمد، درس‌های اخلاق اسلامی، تهران، سایه، ۱۳۷۸ش.
- مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، الطراز الاول، مشهد، مؤسسه آل‌البتیت (ع) لاحیاء التراث، ۱۳۸۴ش.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من



- جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت - قاهره - لندن، دارالکتب العلمیه؛ مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۴۳۰ق.
- معرفت، محمدهادی، «جایگاه ممتاز زن در قرآن و پاسخ به چند شبهه»، ترجمه غلام نبی گلستانی، مجله الهیات و حقوق، شماره ۴-۵، ۱۳۸۱ش.
- مغنیه، محمدجواد، التفسیر المبین، قم، بنیاد بعثت، بی تا.
- همو، تفسیر الکاشف، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
- مهدوی راد، محمدعلی؛ و فتحیه فتاحی زاده، «مبانی شخصیت زن از دیدگاه اسلام»، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۴۰، ۱۳۸۰ش.
- مهریزی، مهدی، قرآن و مسأله زن، تهران، نشر علم، ۱۳۹۳ش.
- ودود، آمنه، قرآن و زن (بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن)، ترجمه اعظم یویا و معصومه آگاهی، تهران، حکمت، ۱۳۹۱ش.

